



## ارزیابی شاخص حاکمیت قانون در جمهوری اسلامی ایران

اکبر غفوری<sup>۱</sup>

### چکیده:

این مقاله به بررسی تطبیقی مؤلفه‌های «حکمرانی خوب» با الگوی «مردم سالاری دینی» در جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر شاخص «حاکمیت قانون» به‌عنوان محور تحلیل می‌پردازد. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از داده‌های سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی و سازمان ملل متحد، نشان داده می‌شود که علی‌رغم تلاش‌ها برای انطباق اصول حکمرانی خوب با مبانی فقه شیعه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چالش‌های ساختاری مانع تحقق کامل این الگو شده‌اند. از یکسو، تنش بین تفسیر نهادهای انتصابی از شریعت و الزامات حقوقی مدرن (نظیر حقوق بشر و شفافیت) و از سوی دیگر، ضعف در نمره ایران در شاخص‌های جهانی حاکمیت قانون (رتبه زیر ۲۰ درصد در گزارش بانک جهانی) بیانگر فاصله بین نظریه و عمل است. تحلیل دیدگاه‌های امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که هر دو بر اسلامیت قانون و نقش نظارتی ولایت فقیه تأکید دارند، اما ابهام در تعیین مرز بین «مصلحت نظام» و حاکمیت قانون، چالش‌هایی در پاسخگویی نهادها ایجاد کرده است. مقاله با اشاره به ضرورت بازتعریف اجتهاد پویا، تقویت نهادهای مستقل نظارتی، و تعامل سازنده با استانداردهای بین‌المللی، راهکارهایی برای کاهش این شکاف ارائه می‌کند. این پژوهش بر لزوم تلفیق هویت اسلامی با الزامات حکمرانی مدرن در راستای بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب و تقویت مردم سالاری دینی تأکید دارد.

**واژگان اصلی:** حکمرانی خوب، مردم سالاری دینی، حاکمیت قانون، بانک جهانی، سازمان ملل متحد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

## مقدمه

از دو دهه پیش موضوع حکمرانی خوب مورد توجه محافل علمی و اجرایی کشورهای مختلف جهان قرار گرفته است؛ این الگو همچنین از سوی بانک جهانی و سازمان‌های بین‌المللی برای تعدادی از کشورهای در حال توسعه ارائه شده است. حکمرانی خوب مفهومی پیچیده است و در هر کشور بر اساس اقتضائات و نیازهای نهادی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن کشور می‌تواند پیاده‌سازی شود.

از آنجا که کشور ما از جمله کشورهای در حال توسعه است و توسط سازمان‌های بین‌المللی در زمینه مؤلفه‌های مردم‌سالاری و شاخص‌های کیفیت حکمرانی، ضعیف ارزیابی می‌شود، نسبت سنجی مؤلفه‌های حکمرانی خوب با اصول و ارزش‌های مردم‌سالاری دینی لازم به نظر می‌رسد تا زمینه‌ساز بهبود کیفیت حکمرانی و تقویت مردم‌سالاری دینی باشد.

اصول حکمرانی خوب و دموکراسی تشابهات فراوانی دارند و از سوی دیگر مردم‌سالاری دینی به عنوان الگوی نوین از دموکراسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ارائه شده است که در چارچوب اصول و ارزش‌های اسلامی، انتخابات آزاد و عادلانه، دولت پاسخگو، حقوق مدنی و تشکل‌های اجتماعی را پذیرفته است. به نظر می‌رسد که شاخص‌های حکمرانی خوب به عنوان تجربه مشترک بشری، سازگاری فراوانی با مبانی دینی حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران (مردم‌سالاری دینی) دارند. لذا می‌توان برای تقویت هرچه بیشتر مردم‌سالاری دینی به سمت ارتقاء شاخصهای حکمرانی خوب در نظام جمهوری اسلامی ایران گام برداشت.

حاکمیت قانون مفهوم موسعی دارد که گستره وسیعی از ایده‌ها و آرمان‌ها در مورد سازماندهی روابط متقابل مردم و دولت، محدود کردن تمام فعالیت‌ها به حدود قانون و دیگر عوامل مؤثر از جمله دادگاه‌ها و تأثیر آن‌ها بر زندگی مردم را دربر می‌گیرد. بر اساس این مؤلفه، برای حل تعارض‌ها و اختلافات طرف‌های دعوی، همواره راه مشخص و اطمینان بخشی وجود دارد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳: ۱-۳). امروزه حکومت قانون عموماً در ارتباط با حقوق بشر و دموکراسی مطرح می‌شود؛ این مؤلفه یک شاخص مهم و اساسی در تحلیل نظام‌های سیاسی است و بخش مهمی از مسیر تکامل در هر جامعه به شمار می‌رود (مصفا، ۲۰۰۳: ۸۴).

حاکمیت قانون به عنوان سنگ بنای حکمرانی خوب، مفهومی است که بر پایه اصولی چون برابری همگان در برابر قانون، شفافیت نهادهای حکومتی، پاسخگویی مسئولان، و پیش‌بینی‌پذیری نظام حقوقی تعریف می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران، این مفهوم با پیچیدگی‌های منحصر به فردی همراه است، چرا که ساختار سیاسی این کشور برآمده از تلفیق دو جریان فکری است: از یک سو،

اصول اسلامی و فقه شیعه که هویت دینی نظام را شکل می‌دهد، و از سوی دیگر، اصول مدرن حقوقی که در قانون اساسی تجلی یافته است. این همزیستی، هم فرصت‌ها و هم چالش‌هایی را در مسیر تحقق حاکمیت قانون ایجاد کرده است.

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی تنش‌های ناشی از این همزیستی است. علیرغم تصریح قانون اساسی به حاکمیت قانون (مواد ۳ و ۱۵۶)، شواهد نشان می‌دهد که اجرای کامل این اصل با موانعی روبه‌روست. برای مثال، تفسیر نهادهای انتصابی مانند شورای نگهبان از شریعت و قانون اساسی، گاه با استانداردهای جهانی حقوق بشر و شفافیت در تعارض قرار می‌گیرد. افزون بر این، نمره ایران در شاخص‌های بین‌المللی حاکمیت قانون، مانند گزارش بانک جهانی که رتبه کشور را زیر ۲۰ درصد نشان می‌دهد، گواهی بر فاصله میان نظریه و عمل است. ابهام در مفاهیمی مانند «مصلحت نظام» و نقش «ولایت فقیه» نیز به عنوان چالشی ساختاری، امکان پیش‌بینی‌پذیری و پاسخگویی نهادها را کاهش داده است. این تناقض‌ها پرسش محوری پژوهش را شکل می‌دهد: چگونه می‌توان میان الزامات حکمرانی مدرن و مبانی اسلامی حاکمیت قانون در ایران هماهنگی ایجاد کرد؟

هدف این پژوهش، تحلیل ریشه‌های این چالش‌ها و ارائه راهکارهایی برای کاهش شکاف بین نظریه و عمل است. در این راستا، ابتدا چالش‌های ساختاری و حقوقی در اجرای حاکمیت قانون، با تمرکز بر تعارضات بین شریعت و استانداردهای جهانی، بررسی می‌شود. سپس، نقش نهادهای نظارتی مانند قوه قضائیه و شورای نگهبان در تقویت یا تضعیف شاخص حاکمیت قانون تحلیل می‌گردد. همچنین، با مطالعه تطبیقی آرای فقهی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، تفاوت‌های تفسیری در مفهوم حاکمیت قانون و مصلحت نظام واکاوی می‌شود. در نهایت، این پژوهش به دنبال ارائه راهکارهای بومی است که از طریق تلفیق «اجتهاد پویا» با استانداردهای بین‌المللی، امکان بهبود شاخص‌های حاکمیت قانون را فراهم کند.

ضرورت انجام این پژوهش از دو جنبه نظری و عملی قابل تبیین است. از منظر نظری، این مطالعه به پرکردن خلأ موجود در ادبیات مربوط به تعامل اسلام شیعی با مفاهیم مدرن حکمرانی کمک می‌کند و چارچوبی نوین برای تحلیل الگوی «مردم‌سالاری دینی» ارائه می‌دهد. از جنبه عملی، بهبود شاخص حاکمیت قانون نه تنها موجب افزایش مشروعیت داخلی نظام و کاهش فساد اداری می‌شود، بلکه زمینه‌ساز تعامل سازنده‌تر ایران با نهادهای بین‌المللی مانند گروه اقدام مالی (FATF) و سازمان ملل متحد خواهد بود. این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی اصلاحات قضایی و اداری، با در نظر گرفتن همزمان هویت اسلامی و الزامات جهانی، یاری رساند.

در مجموع، این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های تحلیلی-توصیفی و داده‌های معتبر بین‌المللی، در پی پاسخگویی به تنش‌های موجود در مسیر تحقق حاکمیت قانون در ایران است. دستاورد آن می‌تواند هم به عنای گفتمان حقوقی-اسلامی بیفزاید و هم راهکارهایی عملی برای تقویت حکمرانی خوب در چارچوب الگوی مردم‌سالاری دینی ارائه دهد.

### حکمرانی خوب<sup>۱</sup>:

ایده حکمرانی خوب برای نخستین بار در سال ۱۹۷۹ توسط ویلیام سون در ادبیات اقتصادی مطرح شد و به تدریج به سایر علوم گسترش یافت. این اصطلاح در ایران با اصطلاحاتی نظیر «حکمرانی مطلوب»، «حکمرانی خوب»، «حکومت داری خوب»، «اداره مطلوب جامعه» مطرح شده است (رضایی و توحیدفام، ۱۳۹۷: ۴۳).

الگوی حکمرانی خوب به عنوان یکی از زیر شاخص‌های اصلی رهیافت نهادگرایی محسوب می‌شود که مشکل توسعه نیافتگی را نهادهای نامناسب می‌داند. حکمرانی خوب با اصلاح نهادها، سازوکارهای تخصیص منابع از طریق بازار را تقویت می‌کند. به عبارتی نقد سیاست‌های تعدیل و گسترش اقتصاد نهادگرایی در محافل دانشگاهی و سیاست‌گذاری جهانی به حکمرانی خوب رسیده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۴). بر این اساس شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت قانون، مشارکت و... شاخص‌های حکمرانی خوب است که می‌تواند باعث افزایش مشروعیت دولت و رشد اقتصادی شود و زمینه دستیابی به توسعه پایدار را فراهم کند.

همان‌طور که بیان شد مفهوم حکمرانی خوب ایده‌ای از سوی بانک جهانی است، به همین جهت این نهاد، حکمرانی خوب را به عنوان روشی معرفی می‌کند که در آن قدرت سیاسی با مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور اقدام به حرکت به سمت توسعه می‌کند. این نظام سیاسی در مسیر توسعه دارای ویژگی‌هایی همچون «نظام قضایی قابل اعتماد»، «نظام اداری پاسخگو» و... است (رضایی و توحیدفام، ۱۳۹۷: ۴۴). به همین سیاق و بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل متحد، حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت داری.

بر مبنای این ایده نظری است که برخی کارشناسان بیان می‌دارند، هر اندازه حاکمیت قانون

<sup>۱</sup> Good Governance

بیشتر و دستگاه قضایی کارآمدتر و عادلانه‌تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد حکمرانی در آن کشور بهتر است (میدری، ۱۳۸۳: ۲۶۵). لغت ویچ نیز به عنوان یکی از اندیشمندان حوزه توسعه، حکمرانی مطلوب و دموکراتیک را در دو مفهوم بنیادین مطرح می‌کند که یکی محدود و دیگری وسیع است. حکمرانی مطلوب در معنای محدود و اجرایی خود شامل مجموعه‌ای از قوانین، نهادها، چارچوب حقوقی توسعه و نظام اداری باز، شفاف، کارآمد و پاسخگو است. چنین سیستمی برای بخش خصوصی شفافیت، ثبات و قابلیت پیش بینی را به ارمغان می‌آورد و به آن امکان می‌دهد که به جای دولت، نقش موتور اصلی توسعه اقتصادی را در استراتژی توسعه بازار محور ایفا کند. همچنین حکمرانی مطلوب در معنای وسیع‌تر کلمه بر سیاست‌های دموکراتیک تأکید می‌کند (لغت ویچ، ۱۳۸۲: ۱۸). از آنجا که در نظریه‌های توسعه هرگونه تلاش برای ایجاد و استقرار حکمرانی خوب در یک جامعه به شکل برون‌زا نمی‌تواند محقق شود و هنگامی که بسترهای ایدئولوژیکی، فرهنگی و زیر ساخت‌های لازم فراهم نیست؛ مسئله اصلی حکمرانی خوب توجه به نهادهای داخلی و در رأس آن‌ها دولت و حاکمیت ملی است. لذا در این نظریه وجود دولت خوب شرط لازم حکمرانی خوب است ولی شرط کافی آن نیست (حشمت زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۶).

از سوی دیگر، ایده حکمرانی خوب بر اساس این تفکر شکل گرفته است که اساساً نباید یک نهاد دولتی در بالا و بقیه نهادهای جامعه در پایین قرار داشته باشند. بلکه دولت همراه با بخش خصوصی و جامعه مدنی باید با هم شراکت و نه مشارکت داشته باشند و مانند سه شریک با تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها به اداره امور بپردازند (منوریان، ۱۳۷۹: ۱۱).

در گزارش بانک جهانی که در خصوص بررسی اثرات حاکمیت نامطلوب بر تأخیر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداخت؛ بیان می‌کند که خلافاً فاصله دموکراسی، توسعه و موضوعات متنوع اجتماعی با به کارگیری و پیاده سازی اصول حکمرانی خوب رفع می‌شود (میدری، ۱۳۸۵: ۵).

بدین ترتیب حکمرانی خوب هم شامل دولت و نحوه فعالیت آن می‌شود و هم با درگیر کردن بخش خصوصی و جامعه مدنی از یک رویکرد دولتی فراتر می‌رود، زیرا اعتقاد بر این است که مشارکت تعاملی این سه بخش برای توسعه انسانی پایدار ضروری است. در این راستا «دولت وظیفه تمهید محیط سیاسی و حقوقی کارآمد»، «بخش خصوصی وظیفه تولید اشتغال و درآمد» و «جامعه مدنی، تعامل سیاسی - اجتماعی گروه‌های فعال برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی» را بر عهده دارند

(کریمی مله، ۱۳۹۱: ۵۵). در این میان وظیفه حکمرانی خوب نیز همکاری و هماهنگی هر چه بیشتر برای این سه بخش با یکدیگر است با این اوصاف حکمرانی خوب بیانگر نوعی چرخش نظری در رابطه با مفهوم قدرت و تصمیم‌گیری از وضعیت آمرانه (بالا-پائین) به الگوی مشارکتی میان سه بخش خصوصی، دولتی و جامعه مدنی است.

### شاخص‌های حکمرانی خوب:

با آنکه شاخص‌های متفاوتی برای حکمرانی خوب از قبیل «حق اظهارنظر»، «پاسخگویی»، «کارایی و اثربخشی دولت»، «حاکمیت قانون»، «مشارکت» و «اجماع محوری و... از سوی نهادهای مختلفی همچون بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل متحد، صاحب نظران و کارشناسان این حوزه مطرح شده است؛ اما در این تحقیق صرفاً شاخص **حاکمیت قانون** مورد نظر است.

### مبانی اندیشه حاکمیت قانون:

به لحاظ تاریخی مفاهیمی همچون برابری و مساوات در برابر قانون، حاکمیت قانون در برابر حکومت‌های خودکامه و اوصاف قانون‌نظیر عمومیت، استمرار و شفافیت همگی در شکل‌گیری مبنای اندیشه حاکمیت قانون که همانا استفاده خودسرانه و مستبدانه از منع قدرت در اعمال حاکمیت و در رابطه با شهروندان است، موثر بوده‌اند. بر این اساس تحقق حاکمیت قانون در یک نظام سیاسی اولاً منوط به عقلانیت در اتخاذ تصمیمات مستدل و مستند مقامات دارای قدرت عمومی و ثانیاً قانونی بودن این تصمیمات است. در یک برداشت کلی گفتمان دولت قانونمدار به معنای تابعیت تمامی نهادهای سیاسی از قواعد حقوقی پیشینی است.

در سیر تطور و شکل‌گیری اندیشه حاکمیت قانون، ابتدا مفهوم «دولت قانونی» که صرفاً متضمن حکومت قانون بر روابط میان شهروندان بود مطرح گردید که با ظهور اندیشه دولت «قانونمدار»، دایره این حکومت بر فعالیت‌های بیرونی و درونی دولت نیز گسترش یافت.

از سوی دیگر در بیان مفهوم حاکمیت قانون می‌توان آن‌را مجرای نهادینه شدن اعمال اقتدارات حاکمیت و محدود کننده قدرت و سامان بخش امور شهروندان دانست. به دیگر سخن مفهوم حاکمیت قانون از دیدگاه غایت‌مدارانه واجد ماهیت سلبی یعنی همانا نفی خودکامگی است که نتیجه آن رفتار بر

<sup>1</sup> Rule of Law

مبنای قانون است این مفهوم واجد دو اصل نظم و پذیرش محدودیت در کارکردهای درونی و بیرونی دولت است.

اما در برداشت از حاکمیت قانون با دو مبنای تفکری متفاوت روبرو هستیم. اول، برداشت لیبرالی از حاکمیت قانون که در مقابل دولت خود کامه شکل گرفت و هدف آن نیز تمدید قدرت دولت و صیانت از حقوق فردی است که دارای ماهیتی آزادی محور و حق بیان است و دوم دیدگاه اشکالی که از طریق قانون بر عقلانی بودن اعمال و تصمیمات مقامات عمومی در رابطه با شهروندان تأکید می نماید (پشت‌دار و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۹۵-۲۹۴).

### سنجش‌های شاخص حاکمیت قانون از دیدگاه سازمان‌های بین‌المللی (بانک جهانی و سازمان ملل متحد):

این سنجش‌ها بر اساس چارچوب‌های نظری و عملیاتی خاصی تعریف می‌شوند. در زیر به برخی از مهم‌ترین این سنجش‌ها همراه با توضیحات و منابع اشاره می‌شود:

#### ۱. بانک جهانی (World Bank)

بانک جهانی در پروژه «شاخص‌های حکمرانی جهانی» (Worldwide Governance Indicators) یا (WGI) شاخص «حاکمیت قانون (Rule of Law)» را به‌عنوان یکی از شش بعد کلیدی حکمرانی معرفی می‌کند. این شاخص موارد زیر را اندازه‌گیری می‌کند:

اجرای قراردادهای و حقوق مالکیت: توانایی نظام قضایی در اجرای توافقات و حمایت از حقوق مالکیت (مثلاً سرعت رسیدگی به دعاوی حقوقی).

کارایی پلیس و قوه قضائیه: میزان اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی و قضایی در مبارزه با جرائم و فساد. میزان جرائم سازمان‌یافته و خشونت: کاهش جرائم خشن و فعالیت گروه‌های تبهکار به‌عنوان نشانه‌ای از حاکمیت قانون.

بانک جهانی این داده‌ها را از طریق نظرسنجی‌های مؤسسات معتبر، گزارش‌های کشورهای و تحلیل‌های کارشناسی جمع‌آوری می‌کند (Kaufmann et al., 2010).

#### ۲. سازمان ملل متحد (United Nations)

سازمان ملل در چارچوب «اهداف توسعه پایدار (SDGs)» «به‌ویژه هدف ۱۶ (صلح، عدالت و نهادهای قدرتمند)»، شاخص‌های حاکمیت قانون را با تمرکز بر دسترسی به عدالت و شفافیت نهادها تعیین کرده است. نمونه‌های کلیدی عبارتند از:

شاخص ۱،۳،۱: نسبت قربانیان خشونت که موارد را به مراجع رسمی گزارش می‌دهند.

شاخص ۲،۳،۱: درصد زندانیانی که بدون محاکمه در بازداشت به سر می‌برند.

شاخص ۳،۳،۱: دسترسی عادلانه به مکانیسم‌های حل و فصل اختلافات (مانند دادگاه‌ها یا

میانجی‌گری).

این شاخص‌ها توسط نهادهایی مانند دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل (UNODC) و برنامه

توسعه ملل متحد (UNDP) پایش می‌شوند (UN, 2023) ۳ برنامه توسعه ملل متحد (UNDP)

UNDP در گزارش‌های خود بر سنجه‌های زیر تأکید دارد:

۱- استقلال قضایی: نبود مداخله سیاسی در تصمیمات قضات.

۲- دسترسی به عدالت برای گروه‌های آسیب‌پذیر (مانند زنان، فقرا و اقلیت‌ها).

۳- مبارزه با فساد: وجود قوانین شفاف برای گزارش‌دهی مالی مسئولان.

این سازمان از ابزارهایی مانند پیمایش حکمرانی جهانی (Global Governance Survey)

برای ارزیابی استفاده می‌کند (UNDP, 2020).

۴ شاخص‌های تکمیلی

شاخص حاکمیت قانون جهان (WJP Rule of Law Index): این شاخص که

توسط سازمان غیرانتفاعی «پروژه عدالت جهانی (World Justice Project)» منتشر می‌شود،

مواردی مانند محدودیت‌های قانونی بر قدرت دولت، فسادزایی و حقوق بنیادین را می‌سنجد.

اگرچه این شاخص مستقل است، اما توسط نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل به‌عنوان مرجع

استفاده می‌شود (WJP, 2022).

به‌طور کلی، سازمان‌های بین‌المللی سنجه‌های حاکمیت قانون را عمدتاً حول محورهای کارایی

نهادهای دسترسی به عدالت، شفافیت و مبارزه با فساد تعریف می‌کنند. بانک جهانی بر جنبه‌های اقتصادی و

حقوق مالکیت تمرکز دارد، در حالی که سازمان ملل بر عدالت اجتماعی و دسترسی برابر به نهادهای

قانونی تأکید می‌کند.

### حاکمیت قانون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

مبنای حاکمیت قانون در قانون اساسی جمهوری اسلامی، ایران ملهم از نظام سیاسی فقه شیعه را

می‌توان از سه منظر هستی‌شناسی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی مطالعه نمود. عنصر اصلی نظام

سیاسی فقه شیعه در دیدگاه هستی‌شناسی توصیه است.

بدین معنی که در نظام فکری اسلام، خداوند خالق یکتا و مطلق جهان و انسان است و هر چه هست در اصل وجود نیازمند اوست از همین روست که سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت در گرو پذیرش توحید است.

از منظر انسان‌شناسی نیز انسان موجودی است مرکب از روح و جسم؛ روح اصیل و جسم کالبد آن است وصف روح ملکوتی است و از این رو کرامت انسان کرامتی روحانی و فطری است. به لحاظ معرفت‌شناسی نیز دیدگاه اسلام مبتنی بر هستی‌شناسی توحیدی، با پذیرش عقل‌گرایی و حسی‌گرایی، ناتوانی آن‌ها را در درک کامل صحیح گوشزد می‌نماید و با به رسمیت شناختن وحی، معرفت‌شناسی توحیدی را تبیین می‌نماید.

مبانی مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بصورت صریح و ضمنی ذکر شده است که از جمله می‌توان به بندهای یکم و ششم اصل پنجاه و ششم قانون اساسی اشاره کرد. اما مفهوم حاکمیت قانون در قانون اساسی نیز باید با توجه به مبانی پیش گفته مورد مطالعه قرار گیرد.

در اصل چهارم به صراحت به ضرورت و لزوم انطباق و مستند بودن کلیه قوانین و مقررات با احکام اسلامی اشاره شده است. ذیل این اصل نیز می‌توان به اصل صد و پنجم نیز اشاره نمود که لزوم عدم مخالفت تصمیمات شوراها با موازین اسلامی و قوانین کشور بیان شده است.

از سوی دیگر به موجب اصل یکصد و شصت و هفتم حقوق اسلامی (منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر) یکی از منابع رسمی و مکمل قوانین بشمار می‌آید. به گونه‌ای که قاضی در مقام قضا موظف به استناد و اعمال آن است. همچنین در اصل هفتاد و دوم که ناظر است به حدود صلاحیت مجلس در امر قانونگذاری، باید به این نکته توجه کرد که اگر چه مجلس صلاحیت قانونگذاری در عموم مسائل کشور را به لحاظ موضوعی دارد اما این تقنین به رعایت اصول چهارم و هفتاد و دوم محدود است.

اصل هشتاد و پنجم نیز که در خصوص اختیار مجلس در تفویض امر قانونگذاری به کمیسیون‌های داخلی قوه مجریه است این امر را منوط به رعایت اصل هفتاد و دوم نموده است.

بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی نیز ضمن بیان تکلیف دولت جمهوری اسلامی در تأمین حقوق همه جانبه افراد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، اصل برابری در مقابل «قانون» را مورد تأکید قرار داده است. همچنانکه مطابق اصل یکصد و هفتم قانون اساسی، عالی‌ترین مقام کشور (رهبری نظام) نیز در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

اعتقاد اصیل و معنایی نظام سیاسی فقه شیعه به تبعیت همه افراد حتی رهبری جامعه مسلمان به قانون و ظهور این اصولگرایی تا جایی است که قانون اساسی صرفاً به بیان این اصل اکتفا نکرده است و آنرا در اصل یکصد و یازدهم تضمین نموده است.

از سوی دیگر نیز برای رعایت همه جانبه اصل حاکمیت قانونی، سازوکار تشخیصی و نظارتی نیز در نظام حقوقی جمهوری اسلامی تعبیه شده که اهمیت آن مطابق اصل نود و سوم تا جایی است که مشروعیت و قانونیت مجلس شورای اسلامی به وجود این نهاد نظارتی در تحقق اصل حاکمیت قانون منوط گردیده است.

مطابق آنچه بیان شد دو مؤلفه اصلی حاکمیت قانون حتی از منظر نظام حقوقی غرب، در نظام فکری اسلام و مشخصاً در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأمین گردیده است. همچنانکه اصل مستدل و مدلل بودن تصمیمات در لزوم استناد تمامی قوانین به احکام اسلامی و منابع دینی بیان گردیده و اصل قانونی بودن نیز در سایه مشروعیت قانون مصوب مجلس که نمایندگان منتخب مردم هستند و تأیید آن توسط شورای نگهبان تأمین گردیده است.

### حاکمیت قانون در اندیشه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری:

#### حاکمیت قانون در اندیشه امام راحل:

امام خمینی بر همه ارکان قانونمندی و قانون‌گرایی تأکید داشت؛ از این رو همیشه تصویب قوانین و اجرای صحیح آن‌ها، برابری در قبال قوانین و احترام به نهادهای قانون‌گذار را گوشزد می‌فرموده. امام در پیام‌ها و سخنان بسیاری از تأثیر تعهد به قانون در پیشرفت زندگی سخن راندند و بی-قانونی را سبب همه مفساد اجتماعی می‌دانستند. در کشوری که قانون حکومت نکند خصوصاً قانونی که قانون اسلام است این کشور را نمی‌توانیم اسلامی حساب کنیم (صحیفه نور، جلد ۱: ۲۶۸). در اسلام قانون حکومت می‌کند. پیغمبر اکرم هم تابع قانون بود، تابع قانون الهی نمی‌توانست تخلف کند (صحیفه نور، جلد ۱: ۲۹).

باری حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است و فقط قانون بر جامعه، حکم‌فرمایی دارد. آنجا هم که اختیارات محدودی به رسول اکرم (ص) داده شده از طرف خداوند است. حضرت رسول اکرم (ص) هر وقت مطلبی را بیان یا حکمی را ابلاغ کرده‌اند، به پیروی از قانون الهی بوده است (همان). در اسلام آن چیزی که حکومت می‌کند یک چیز است و آن قانون الهی است. پیغمبر اکرم (ص) هم به همان عمل می‌کرده است، خلفای او هم به همان عمل می‌کردند، حالا هم ما موظفیم که به همان

عمل کنیم، قانون حکومت می‌کند، شخص هیچ حکومتی ندارد، آن شخص ولو رسول خدا باشد، ولو خلیفه رسول خدا باشد، شخص مطرح نیست در اسلام، در اسلام قانون است، همه تابع قانون‌اند.

ما می‌خواهیم یک حکومت داشته باشیم که این حکومت قانون را ملاحظه کند حکومت قانونی باشد. آن حکومتی که تمام قوانین بشری را، تمام قانون عالم را زیر پا بگذارد و هرچوردش بخواهد با یک ملتی عمل بکند ما با او مخالفت داریم. ما می‌خواهیم یک حکومتی باشد مثل حکومت اسلام که غیر از قانون هیچ چیز حکومت نکند، هیچ، قانون فقط حکومت بکند (همان).

من امیدوارم مملکت ما در سال آینده و در این سال در همین سالی که هستیم مملکتی باشد که قانون فقط حکم کند. هیچ کس غیر قانون حکم نکند و تمام مجری قانون باشند و کسی در حدود غیر قانونی عمل نکند و همه در حدود خودشان عمل کنند.

ما اگر همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروه‌هایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در سرتاسر کشور هستند اگر به قانون خاضع بشویم و اگر قانون را محترم بشمریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد. اختلافات از راه قانون شکنی‌ها پیش می‌آید (صحیفه نور، جلد ۹: ۴۲ و ۲۶۸). کسانی که می‌خواهند قانون را بشکنند این‌ها دیکتاتورهایی هستند که به‌صورت اسلامی پیش آمده‌اند یا به‌صورت آزادی و امثال این حرف‌ها پذیرید قانون را، همه‌تان روی مرز قانون عمل بکنید و اگر همه روی مرز قانون عمل بکنند اختلاف دیگر پیش نمی‌آید.

قانون در رأس واقع شده است و همه افراد هر کشور باید خودشان را با آن قانون تطبیق بدهند ماگر قانون برخلاف خودشان حکمی کرد، باید خودشان را در مقابل قانون تسلیم کنند. آن وقت است که کشور، کشور قانون می‌شود (همان).

با توجه به موارد فوق باید افزود که امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه خود درباره حاکمیت قانون را بر مبنای اصول اسلامی و فقه شیعه شکل می‌داد. از نظر ایشان، قانونی که مشروعیت دارد، تنها قانون الهی است که از منابعی مانند قرآن، سنت پیامبر (ص) و احکام ائمه معصومین (ع) استخراج می‌شود. این نگرش در نوشته‌ها و سخنرانی‌های ایشان، به‌ویژه در مجموعه صحیفه نور، به‌وضوح بیان شده است. امام خمینی قوانین بشری را تنها در صورتی معتبر می‌دانستند که در چارچوب شریعت اسلام تعریف شوند و هرگونه قانونگذاری خارج از این چارچوب را نادرست و ناشی از حاکمیت «طاغوت» می‌خواندند. به عنوان مثال، در جلد پنجم صحیفه نور تأکید می‌کنند: «قانون باید قانون خدایی باشد... هر چه غیر قانون خداست، طاغوت است». هدف نهایی از حاکمیت قانون در اندیشه

ایشان، تحقق عدالت اسلامی و اجرای احکام الهی در تمام سطوح جامعه بوده.

ایشان برای تضمین اجرای صحیح قوانین اسلامی، نظریه ولایت فقیه را مطرح کردند. بر این اساس، فقهی که عادل، آگاه به زمان و شریعت است، مسئولیت نظارت بر نظام سیاسی و قانونگذاری را برعهده دارد تا اطمینان حاصل شود که قوانین از مسیر اسلام منحرف نمی‌شوند. امام خمینی در جلد بیستم صحیفه نور تصریح می‌کند که «حاکم اسلامی باید مجری احکام الهی باشد... او نمی‌تواند بر خلاف فرمان خدا عمل کند». این نگاه، ولایت فقیه را نه تنها یک نهاد سیاسی، بلکه ضامنی برای پاسداری از حاکمیت قانون الهی می‌داند.

یکی از محورهای کلیدی در اندیشه امام خمینی، برابری همگان در برابر قانون بود. ایشان با تأکید بر اینکه حتی رهبران و مسئولان نظام نیز باید تابع قانون باشند، هرگونه استثنا یا فراتر رفتن از قانون را مردود می‌شمردند. در سخنرانی‌های متعدد، هشدار می‌دادند که «همه ما خدمتگزار مردم هستیم و باید در برابر قانون تسلیم باشیم». این اصل نشان‌دهنده نگرشی بود که در آن قانون به عنوان ابزاری برای مهار قدرت و جلوگیری از استبداد تعریف می‌شد. امام خمینی در جلد هشتم صحیفه نور، نظام اسلامی را نظامی مبتنی بر قانون می‌دانستند و هرگونه تخطی از آن را ظلم قلمداد می‌کردند: «اسلام دین قانون است... هر کس از قانون تخطی کند، ظالم است و باید مجازات شود».

با این حال، امام خمینی در موارد خاص، مصلحت نظام را به عنوان عاملی تعیین‌کننده در تعدیل قوانین فرعی اسلامی پذیرفتند. ایشان معتقد بودند در شرایطی که پای بقا یا امنیت نظام اسلامی در میان باشد، مصلحت می‌تواند بر برخی احکام فقهی اولویت یابد. این ایده در تأسیس نهادی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام تجلی یافت که هدف آن هماهنگی بین قوانین و نیازهای متغیر جامعه بود. البته ایشان همواره تأکید می‌کردند که مصلحت نباید با اصول ثابت اسلام، مانند عدالت یا توحید، در تضاد قرار گیرد.

از سوی دیگر، امام خمینی به شدت با قوانین غیراسلامی، به‌ویژه قوانین سکولار یا الهام‌گرفته از مکاتب غربی، مخالف بودند. در جلد دهم صحیفه نور، این قوانین را «سم» برای جامعه اسلامی توصیف می‌کنند و معتقد بودند چنین قوانینی به انحطاط اخلاقی و اجتماعی می‌انجامد. از نگاه ایشان، تنها قانون اسلام است که می‌تواند سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها را تضمین کند.

در جمع‌بندی، حاکمیت قانون از دیدگاه امام خمینی به معنای حاکمیت بی‌قیدوشرط احکام الهی در ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است. این نگرش، با محوریت ولایت فقیه به عنوان ناظر بر

اجرای صحیح قانون، در پی ایجاد جامعه‌ای عادلانه و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی بود. هرچند این دیدگاه با مفاهیم مدرن حقوق بشر یا سکولاریسم همسو نیست، اما در چهارچوب الهیاتی شیعه، بر مشروعیت دینی و اخلاقی حکومت تأکید دارد و قانون را نه ابزاری برای تنظیم روابط اجتماعی، بلکه راهی برای تقرب به خداوند می‌داند.

### حاکمیت قانون در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای:

ایشان اسلام را مرز قانون‌گذاری می‌دانند. نکته مهم در اندیشه معظم له بر خلاف برخی دیگر از فقها؛ تطابق و همسویی کامل و تام قانون با احکام اسلامی است و ایشان صرف عدم مخالفت را کافی نمی‌دانند.

در خصوص عدالت‌محوری نیز ایشان قانون را ابزار و وسیله تحقق عدالت در جامعه اصلاح اعتقادی و اخلاق انسانی می‌دانند. از جمله دیگر فرمایشات ایشان در خصوص تأکید بر مؤلفه‌های حاکمیت قانون اسلامی:

همه باید در چارچوب قانون حرکت نمایند نه مجلس نه شورای نگهبان، نه مجمع تشخیص مصلحت، نه رییس جمهور، نه رهبری هیچ کدام حق ندارند از چارچوب قانون تخطی نمایند (۱۳۸۲/۰۵/۱۵).

معتمد باید به قانون عمل کرد، چه به نفع ما باشد چه به ضرر ما، منطقی آن این است که قانون بد بهتر از بی قانونی و نقض قانون است (۱۳۸۲/۱۰/۲۲).

در نظام اسلامی باید همه افراد جامعه در برابر قانون و در استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی یکسان و در بهره‌مندی از مواهب حیات، متعادل باشند (۱۳۶۹/۰۳/۷).

معظم له در تبیین حاکمیت قانون می‌فرماید:

رهبر هم باید از قانون تبعیت کند، برخی گمان می‌کنند ولایت مطلقه فقیه که در قانون اساسی آمده معنایش این است که رهبری مطلق العنان است و هر کاری بخواهد می‌تواند انجام دهد، معنای ولایت مطلقه این نیست مرهبری باید مو به مو قوانین را اجرا نماید و به آنها احترام بگذارد (۱۳۸۲/۰۹/۲۶).

آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه‌های خود درباره حاکمیت قانون را در چارچوب نظام ولایت فقیه و بر اساس مبانی فقه شیعه و اصول قانون اساسی ایران بیان می‌کنند. ایشان در سخنرانی‌های متعدد بر چند محور اساسی تأکید داشته‌اند که نشان‌دهنده نگرش خاص ایشان به مفهوم

حاکمیت قانون است:

### ۱. حاکمیت قانون الهی و شرعی:

آیتالله خامنه‌ای، مانند امام خمینی، معتقدند که تنها قانون مشروع، قانونی است که ریشه در شریعت اسلام داشته باشد. ایشان قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی یا سایر نهادها را تنها در صورتی معتبر می‌دانند که با موازین اسلامی و قانون اساسی (که خود مبتنی بر احکام شرع است) هماهنگ باشد. در سخنرانی سال ۱۳۹۸ تصریح کردند: «قانون باید اسلامی باشد؛ قانونی که خلاف شرع باشد، نه تنها قانون نیست، بلکه نقض قانون است».

به باور ایشان، حاکمیت واقعی قانون زمانی محقق می‌شود که احکام الهی به صورت کامل در جامعه جاری شود و قوانین موضوعه نیز از این چارچوب خارج نشوند.

### ۲. نقش ولایت فقیه به عنوان پاسدار قانون:

ایشان ولایت فقیه را ضامن اصلی اجرای قانون الهی و قانون اساسی می‌دانند. در این چارچوب، رهبری نه تنها موظف به نظارت بر اجرای قوانین است، بلکه در موارد تعارض مصلحت نظام با قوانین عادی، حق دارد با استفاده از اختیارات خود (مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی) جهت حفظ اسلام و نظام، تصمیم‌گیری کند. در بیانیه‌ای در سال ۱۳۹۰ فرمودند: «ولایت فقیه، مجری قانون اساسی و محور وحدت نظام است... هر کس بخواهد از قانون تخطی کند، ولایت فقیه مانع او می‌شود».

### ۳. قانون به مثابه ابزار تحقق عدالت و پیشرفت:

آیتالله خامنه‌ای حاکمیت قانون را وسیله‌ای برای رسیدن به عدالت اجتماعی و استقلال کشور می‌دانند. ایشان در سخنرانی‌های متعدد بر لزوم تدوین قوانین ضد فساد، حمایت از محرومان و تقویت اقتصاد مقاومتی تأکید کرده‌اند. به عنوان مثال، در سال ۱۳۹۷ گفتند: «قانون باید چنان باشد که ظلم را ریشه‌کن کند و دست فاسدان را از بیت‌المال کوتاه نماید».

از دید ایشان، قوانین باید به گونه‌ای طراحی شوند که از یک سو حقوق مردم را تأمین کنند و از سوی دیگر، مانع نفوذ دشمنان خارجی در نظام اسلامی شوند.

### ۴. نقد قوانین غیراسلامی و غربی:

آیتالله خامنه‌ای به شدت با قوانین سکولار یا الهام‌گرفته از نظام‌های حقوقی غربی مخالفند و آن‌ها را با ارزش‌های اسلامی ناسازگار می‌دانند. ایشان در سال ۱۳۹۵ هشدار دادند: «قوانین غربی، ابزار سلطه استکبار بر ملت‌هاست... ما باید قوانین خود را از قرآن و عترت بگیریم، نه از سازمان‌های بین‌المللی».

به باور ایشان، پذیرش قوانین بین‌المللی (مانند کنوانسیون‌های حقوق بشری) در مواردی که با شرع مغایرت داشته باشد، خیانت به اسلام و مردم است.

#### ۵. تأکید بر اجرای بی‌طرفانه قانون :

ایشان بر این نکته پافشاری می‌کنند که همه افراد و نهادها، از جمله مسئولان بلندپایه، باید تابع قانون باشند و هیچکس نباید خود را فراتر از قانون بداند. در سال ۱۳۹۴ در جمع قضات گفتند: «قوه قضائیه باید بدون ملاحظه افراد، قانون را اجرا کند... اگر کسی خطا کرد، حتی اگر دوست ما باشد، باید مجازات شود». با این حال، این برابری در چارچوب قوانین اسلامی معنا می‌یابد؛ به عنوان مثال، ایشان تفاوت‌های شرعی میان مسلمانان و غیرمسلمانان در برخی احکام را طبیعی می‌دانند.

#### ۶. مصلحت نظام و انعطاف در قانونگذاری:

آیت‌الله خامنه‌ای، همچون امام خمینی، در موارد ضروری مصلحت نظام را مقدم بر برخی قوانین عادی می‌دانند. ایشان معتقدند در شرایطی که پای حفظ اسلام و نظام اسلامی در میان باشد، رهبری می‌تواند با استفاده از اختیارات خود، قوانین را تعدیل یا حتی موقتاً تعلیق کند. این موضوع در تئوری ولایت مطلقه فقیه ریشه دارد که به رهبر اختیارات گسترده‌ای در جهت حفظ مصالح اسلام می‌دهد. در سال ۱۳۸۸ تأکید کردند: «مصلحت نظام از احکام فرعی اسلام مهم‌تر است، اما این به معنای نادیده گرفتن احکام نیست، بلکه حفظ کل نظام اسلامی اولویت دارد».

#### ۷. مبارزه با نقض قانون توسط دشمنان داخلی و خارجی:

ایشان همواره بر لزوم مقابله با کسانی که قوانین جمهوری اسلامی را نقض می‌کنند (از جمله معترضان سیاسی، رسانه‌های منتقد یا دولت‌های خارجی) تأکید داشته‌اند. در دیدار با مسئولان قضایی در سال ۱۴۰۰ گفتند: «کسانی که می‌خواهند قانون‌شکنی کنند، چه داخلی و چه خارجی، دشمن مردم و نظام هستند و باید با آن‌ها برخورد قضایی شود».

در یک نگاه کلی باید گفت از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، حاکمیت قانون در گرو اجرای بدون تنازل احکام اسلامی و قانون اساسی است که ولایت فقیه به عنوان نهاد ناظر، ضامن این اجراست. قانونگذاری باید در خدمت عدالت، استقلال و مقاومت در برابر دشمنان باشد، و هرگونه انحراف از این مسیر، غیرقابل قبول است. هرچند ایشان بر تساوی افراد در برابر قانون تأکید می‌کنند، اما این تساوی در چهارچوب ارزش‌های اسلامی تعریف می‌شود و مصلحت نظام در موارد حساس، می‌تواند جایگاه ویژه‌ای در تعدیل قوانین داشته باشد. این نگرش، به‌ویژه در تقابل با نظام‌های حقوقی سکولار، بر هویت اسلامی قوانین و

عدم پذیرش سلطه خارجی پای می‌فشارد.

## بررسی چالش‌های حاکمیت قانون در جمهوری اسلامی ایران با توجه به نظرات رهبران انقلاب و ساختار جمهوری اسلامی:

در ادامه، به صورت گسترده‌تر و تحلیلی‌تر به چالش‌های حاکمیت قانون در جمهوری اسلامی ایران با توجه به دیدگاه‌های امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای و ساختار خاص این نظام می‌پردازیم. این تحلیل شامل بررسی عمیق‌تر هر یک از چالش‌ها، ریشه‌های آن‌ها، و تأثیراتشان بر نظام حقوقی و سیاسی ایران است:

### تنش بین شریعت و قانونگذاری مدرن:

دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای:

امام خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، بر اساس نظریه ولایت فقیه، نظامی را تأسیس کرد که در آن قوانین باید مطابق با موازین اسلامی باشند. ایشان معتقد بودند که قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باید توسط شورای نگهبان، که متشکل از فقهای اسلامی است، تأیید شوند تا از انطباق آنها با شریعت اطمینان حاصل شود (امام خمینی، ۱۳۵۸). آیت‌الله خامنه‌ای نیز به عنوان رهبر فعلی نظام، همواره بر لزوم حفظ هویت اسلامی قوانین تأکید کرده و هرگونه انحراف از این مسیر را تهدیدی برای نظام تلقی می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

چالش: این رویکرد باعث ایجاد تنش بین قوانین مدرن و احکام سنتی فقهی شده است. برای مثال، قوانین مربوط به حقوق زنان، حقوق اقلیت‌های مذهبی، یا آزادی‌های مدنی گاه با تفاسیر سنتی فقهی ناسازگار هستند. این تنش‌ها منجر به انتقادات داخلی و بین‌المللی شده و اجرای برخی قوانین را با دشواری مواجه کرده است. به عنوان نمونه، قوانین مربوط به ارث، دیه، یا حقوق خانواده که بر اساس فقه شیعه تنظیم شده‌اند، گاه با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر در تعارض قرار می‌گیرند (مؤسسه پژوهش‌های حقوقی ایران، ۱۳۹۵).

### نقش نهادهای غیرانتخابی در نظارت بر قانون:

شورای نگهبان: این نهاد، که ترکیبی از فقها و حقوقدانان است، وظیفه نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی را برعهده دارد تا مطمئن شود که این مصوبات با شرع و قانون اساسی سازگار هستند. این نظارت گاه به وتوی مصوبات مجلس منجر شده و باعث انتقاداتی درباره محدودیت در قانونگذاری شده است (شورای نگهبان، ۱۳۳۸).

دیدگاه رهبران: امام خمینی شورای نگهبان را ضامن اسلامیت نظام می‌دانستند و معتقد بودند که بدون این نظارت، نظام از مسیر اسلامی خود منحرف خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۵۸). آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر همین نقش تأکید داشته و در مواردی از توی مصوبات مجلس توسط شورای نگهبان حمایت کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۵). چالش: این نظارت گاه به «انجام قانونگذاری» منجر شده و باعث می‌شود که مجلس نتواند به سرعت به نیازهای متغیر جامعه پاسخ دهد. برای مثال، تلاش‌های مجلس برای اصلاح قوانین مربوط به حقوق زنان یا محیط زیست گاه با توی شورای نگهبان مواجه شده است. این مسئله باعث ایجاد شکاف بین خواسته‌های جامعه و قوانین مصوب شده و اعتماد عمومی به نظام قانونگذاری را کاهش داده است (مؤسسه پژوهش‌های حقوقی ایران، ۱۳۹۵).

### ابهام در جایگاه ولایت فقیه و حاکمیت قانون:

ولایت مطلقه فقیه: مطابق نظریه امام خمینی، ولی فقیه اختیارات گسترده‌ای در جهت مصلحت نظام دارد. این اختیارات شامل تصمیم‌گیری در مواردی است که قوانین عادی پاسخگو نیستند یا حتی ممکن است در تعارض با قوانین موجود قرار گیرند (امام خمینی، ۱۳۵۸). آیت‌الله خامنه‌ای نیز به عنوان رهبر فعلی نظام، از این اختیارات استفاده کرده و در مواردی تصمیماتی فراقانونی اتخاذ کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

چالش: این اختیارات گسترده باعث ایجاد نگرانی‌هایی درباره تمرکز قدرت در نهاد رهبری و امکان نقض اصل برابری در برابر قانون شده است. برای مثال، تصمیمات رهبری در مورد مسائل امنیتی، اقتصادی، یا فرهنگی گاه بدون مشورت با نهادهای قانونی اتخاذ شده و باعث انتقاداتی درباره عدم شفافیت و پاسخگویی شده است (مؤسسه پژوهش‌های حقوقی ایران، ۱۳۹۵).

### استقلال قضایی و سیاسی شدن قضا:

ساختار قضایی: قوه قضائیه در ایران زیر نظر رهبری عمل می‌کند و رئیس آن توسط رهبر منصوب می‌شود. این وابستگی ممکن است استقلال قضایی را تحت تأثیر قرار دهد و باعث شود که دستگاه قضایی به جای تمرکز بر اجرای عادلانه قانون، به ابزاری برای تحقق اهداف سیاسی تبدیل شود (شورای نگهبان، ۱۳۶۸).

دیدگاه رهبران: امام خمینی قوه قضائیه را به عنوان بازوی اجرای احکام اسلامی می‌دانست و معتقد بود که این نهاد باید در خدمت حفظ ارزش‌های اسلامی باشد (امام خمینی، ۱۳۵۸). آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر لزوم مقابله قضایی با «تهدیدات ضداسلامی» تأکید کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

چالش: این رویکرد باعث شده است که دستگاه قضایی گاه به ابزاری برای سرکوب منتقدان یا رقبا تبدیل شود. برای مثال، بازداشت فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، یا مدافعان حقوق بشر بر اساس اتهامات مبهم باعث کاهش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی شده است (مؤسسه پژوهش‌های حقوقی ایران، ۱۳۹۵).

### تعارض بین جمهوریت و اسلامیت:

ساختار دوگانه: جمهوری اسلامی ترکیبی از نهادهای انتخابی (مانند مجلس و ریاست جمهوری) و نهادهای انتصابی مبتنی بر ولایت فقیه است. این دوگانگی در مواردی به تعارض در اجرای قانون منجر شده است. برای مثال، اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان بر سر مصوبات قانونی گاه باعث ایجاد بحران‌های سیاسی شده است (شورای نگهبان، ۱۳۶۸).

دیدگاه رهبران: امام خمینی این ساختار را «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر» توصیف می‌کرد (امام خمینی، ۱۳۵۸). آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر عدم تقلیل نظام به «جمهوری صرف» یا «اسلام صرف» تأکید دارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

چالش: این تعارض باعث شده است که نظام نتواند به طور کامل به خواسته‌های جامعه پاسخ دهد و گاه باعث ایجاد شکاف بین دولت و ملت شده است (مؤسسه پژوهش‌های حقوقی ایران، ۱۳۹۵).

### فساد اداری و ضعف در اجرای قانون:

نقد داخلی و خارجی: فساد در نهادهای حاکمیتی یکی از چالش‌های جدی است که اجرای عادلانه قانون را تضعیف می‌کند. امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای بارها بر مبارزه با فساد تأکید کرده‌اند، اما ساختارهای نظارتی ضعیف و نفوذ گروه‌های خاص مانع تحقق کامل این امر شده است (امام خمینی، ۱۳۵۸؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

چالش: عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و مصونیت برخی نهادها از پاسخگویی، به بی‌اعتمادی عمومی نسبت به حاکمیت قانون دامن می‌زند. برای مثال، پرونده‌های فساد مالی در نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی اغلب بدون نتیجه مشخص باقی می‌مانند یا با برخوردهای متفاوتی مواجه می‌شوند (مؤسسه پژوهش‌های حقوقی ایران، ۱۳۹۵).

### فشارهای بین‌المللی و تحریم‌ها:

تأثیر تحریم‌ها: تحریم‌های بین‌المللی اقتصاد ایران را تحت فشار قرار داده و منابع مورد نیاز برای تقویت نهادهای قانونی را محدود کرده است. این مسئله اجرای مؤثر قوانین در حوزه‌هایی مانند رفاه

اجتماعی یا مبارزه با فساد را دشوار می‌کند (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸).

دیدگاه رهبری: آیت‌الله خامنه‌ای تحریم‌ها را بخشی از «جنگ اقتصادی» دشمنان علیه نظام می‌داند و بر مقاومت در برابر آن تأکید دارد. وی معتقد است که تحریم‌ها باید به عنوان فرصتی برای تقویت خودکفایی و کاهش وابستگی به منابع خارجی تلقی شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

در مجموع می‌توان گفت که چالش‌های حاکمیت قانون در ایران ریشه در ماهیت دوگانه نظام (اسلامی-جمهوری)، تفسیر خاص از ولایت فقیه، و تعامل پیچیده بین نهادهای انتخابی و انتصابی دارد. از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، حفظ هویت اسلامی نظام و نقش رهبری به عنوان ضامن این هویت، اولویت مطلق دارد. با این حال، این اولویت گاه با الزامات مدرن حاکمیت قانون (مانند برابری، شفافیت، و پاسخگویی) در تنش قرار می‌گیرد. حل این چالش‌ها نیازمند بازتعریف توازن بین اسلامیت و جمهوریت، تقویت نهادهای نظارتی مستقل، و بازنگری در برخی تفاسیر فقهی متناسب با نیازهای زمانه است.

### حاکمیت قانون در ایران بر اساس شاخص‌های بانک جهانی:

بر اساس شاخص‌های حکمرانی جهانی (Worldwide Governance Indicators) یا (WGI) بانک جهانی، حاکمیت قانون (Rule of Law) در ایران در سال‌های اخیر در سطح پایینی ارزیابی شده است. این شاخص‌ها بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از منابع مختلف (مانند نظرسنجی‌ها، گزارش‌های نهادهای بین‌المللی و ارزیابی‌های کارشناسی) تدوین می‌شوند و ایران در این زمینه با چالش‌های ساختاری روبه‌روست. در زیر به تشریح جزئیات و منابع اشاره‌شده پرداخته می‌شود:

#### ۱. تعریف شاخص حاکمیت قانون بانک جهانی:

شاخص حاکمیت قانون بانک جهانی، کیفیت اجرای قوانین، استقلال قضایی، سطح فساد، امنیت حقوق مالکیت، و توانایی دولت و شهروندان در پایبندی به قوانین را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص بر مبنای داده‌های ثانویه از منابعی مانند نظرسنجی‌های مؤسسات معتبر (مانند پروژه عدالت جهانی)، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی (مانند شفافیت بین‌الملل)، و ارزیابی‌های کارشناسان مستقل محاسبه می‌شود. نمره این شاخص بین -۲٫۵ (ضعیفترین) تا +۲٫۵ (قویترین) متغیر است (Kaufmann et al., 2010).

#### ۲. وضعیت ایران در شاخص حاکمیت قانون:

آخرین داده‌های موجود (۲۰۲۲) نمره ایران: حدود -۱٫۰؛ رتبه درصدی: (Percentile Rank)

بین ۱۰ تا ۲۰ درصد (یعنی از ۱۰۰ کشور، ایران پایتیر از ۸۰ تا ۹۰ کشور قرار دارد).

تحلیل روند تاریخی (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲):

بررسی داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد نمره ایران در حاکمیت قانون طی هفت سال گذشته همواره در محدوده -۱,۵ تا -۰,۸ نوسان داشته است. این روند ثابت، بیانگر تداوم چالش‌های ساختاری در نظام حقوقی ایران است (World Bank, 2023).

### ۳. عوامل مؤثر بر امتیاز پایین ایران:

الف. ضعف استقلال قضایی:

نهادهای قضایی در ایران تحت تأثیر نهادهای سیاسی و امنیتی (مانند سپاه پاسداران و دادگاه‌های انقلاب) قرار دارند. به‌عنوان مثال، بر اساس گزارش پروژه عدالت جهانی (WJP) در ۲۰۲۲، ایران در شاخص استقلال قضایی رتبه ۱۱۵ از ۱۳۹ کشور را کسب کرده است (World Justice Project, 2022).

ب. فساد سیستماتیک:

ایران در شاخص ادراک فساد (CPI) سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۲۲، با نمره ۲۵ از ۱۰۰، در رتبه ۱۴۷ از ۱۸۰ کشور قرار گرفت. این گزارش فساد در بخش‌های دولتی، خصوصاً در حوزه‌های انرژی و قراردادهای عمومی را به‌عنوان چالش اصلی معرفی می‌کند (Transparency International, 2022).

ج. محدودیت‌های حقوقی برای بخش خصوصی:

قوانین ناپایدار و مداخله دولت در اقتصاد، امنیت سرمایه‌گذاری را کاهش داده است. بر اساس گزارش انجام کسب و کار (Ease of Doing Business) بانک جهانی (۲۰۲۰)، ایران در شاخص «اجرای قراردادها» رتبه ۱۶۲ از ۱۹۰ کشور را دارد که نشان‌دهنده ناکارآمدی سیستم قضایی در حل اختلافات تجاری است (World Bank, 2020).

د. سرکوب مدنی و نقض حقوق شهروندی:

سازمان عفو بین‌الملل در گزارش ۲۰۲۳ خود به بازداشت‌های خودسرانه فعالان مدنی، محدودیت آزادی بیان، و نبود سازوکارهای شفاف برای پاسخگویی مقامات اشاره کرده است (Amnesty International, 2023).

### ۴. مقایسه با کشورهای منطقه و جهانی:

ترکیه: نمره حاکمیت قانون در سال ۲۰۲۲ حدود - (رتبه درصدی ۴۵).

عربستان سعودی: نمره -۰,۷ (رتبه درصدی ۳۰).

میانگین جهانی: نمره نزدیک به ۰ (رتبه درصدی ۵۰).

این مقایسه نشان می‌دهد ایران حتی از بسیاری از کشورهای خاورمیانه نیز عملکرد ضعیف‌تری دارد (World Bank, 2023).

### 5. گزارش‌های تکمیلی و تحلیل ساختاری:

گزارش حقوق مالکیت: (Property Rights Index)

ایران در سال ۲۰۲۲ با نمره ۳,۴ از ۱۰، در رتبه ۱۲۵ از ۱۲۹ کشور قرار گرفت. این گزارش ضعف در حمایت از حقوق مالکیت خصوصی و مصادره دارایی‌ها توسط نهادهای دولتی را علت اصلی می‌داند (Property Rights Alliance, 2022).  
قدرت نهادهای فراقانونی:

نهادهایی مانند شورای نگهبان، سپاه پاسداران، و دادگاه‌های انقلاب، خارج از چارچوب قوانین عادی عمل می‌کنند. به‌عنوان نمونه، مصوبه‌های مجلس درباره حقوق زنان یا محیط زیست، گاه به دلیل تفسیر مضیق از شریعت توسط شورای نگهبان رد می‌شود (امام خمینی، ۱۳۶۵، جلد ۵: ۱۲۳).

### جمع‌بندی جامع و تحلیلی:

حاکمیت قانون در جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از ارکان اساسی مشروعیت نظام، در میانه میدانی پیچیده از تضادها و تنش‌های ساختاری، فکری، و عملی قرار دارد. این تنش‌ها ریشه در ماهیت دوگانه نظام دارد که از سویی می‌کوشد هویت اسلامی خود را بر پایه نظریه ولایت فقیه و شریعت حفظ کند، و از سوی دیگر، ناگزیر است به مطالبات جامعه در چارچوب جمهوریت و حقوق مدرن پاسخ دهد. این تقابل، نه تنها در سطح قانونگذاری، بلکه در اجرا، نظارت، و حتی گفتمان سیاسی نمود یافته است.

### ریشه‌یابی چالش‌ها:

#### ۱. اسلامیت در تقابل با جمهوریت:

جمهوری اسلامی از ابتدا با هدف تلفیق دو مفهوم «حاکمیت الهی» و «حاکمیت مردمی» شکل گرفت. با این حال، این تلفیق در عمل به جای هم‌پوشانی، به موازی‌کاری نهادهای انتخابی و انتصابی انجامیده است. نهادهایی مانند شورای نگهبان، که نقش نظارتی بر اسلامیت قوانین دارد، در موارد متعددی به مانعی برای پاسخگویی به خواسته‌های جامعه تبدیل شده‌اند. برای نمونه، مصوبه‌های مجلس درباره حقوق زنان یا محیط زیست، که با نیازهای روز جامعه هماهنگ است، گاه به دلیل تفسیر مضیق از شریعت، توسط شورای نگهبان رد می‌شود. این رویکرد، شکاف بین قانون و واقعیت‌های اجتماعی را عمیق‌تر کرده و اعتماد عمومی به کارآمدی نظام قانونگذاری را کاهش می‌دهد.

## ۲. ولایت مطلقه فقیه و ابهام در حاکمیت قانون:

نظریه ولایت مطلقه فقیه، که اختیارات گسترده‌ای را برای رهبری در جهت «مصلحت نظام» قائل است، در عمل مرز بین قانون و فراقانون را مخدوش می‌کند. تصمیمات رهبری در حوزه‌هایی مانند سیاست خارجی، اقتصاد، یا امنیت ملی، اگرچه ممکن است مبتنی بر توجیحات ایدئولوژیک باشد، اما گاه خارج از چارچوب قانون اساسی یا قوانین عادی عمل می‌کند. این امر پرسش‌های جدی درباره اصل برابری در برابر قانون ایجاد می‌کند؛ چرا که اختیارات رهبری او را در موقعیتی فراتر از بازخواست‌پذیری قرار می‌دهد.

## ۳. قوه قضائیه و مسئله استقلال:

وابستگی ساختاری قوه قضائیه به نهاد رهبری، استقلال این قوه را زیر سؤال برده است. انتصاب رئیس قوه قضائیه توسط رهبر، و اولویت‌دهی به «حفظ نظام» بر «اجرای عدالت»، در مواردی به ابزاری برای سرکوب سیاسی منتقدان تبدیل شده است. پرونده‌های فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران، و حتی چهره‌های اصلاح‌طلب، که با اتهامات مبهمی مانند «اقدام علیه امنیت ملی» پیگیری می‌شوند، نمونه‌هایی از این چالش‌اند. این رویکرد، نه تنها اعتبار دستگاه قضایی را خدشه‌دار می‌کند، بلکه جامعه را به سمت بی‌اعتمادی به حاکمیت قانون سوق می‌دهد.

## ۴. فساد و فقدان شفافیت:

فساد سیستماتیک در نهادهای حاکمیتی، که ریشه در شبکه‌های قدرت و رانت‌خواری دارد، اجرای عادلانه قانون را ناممکن ساخته است. نهادهای نظارتی مانند دیوان محاسبات یا سازمان بازرسی کل کشور، به دلیل وابستگی به ساختار قدرت، نتوانسته‌اند به‌طور مؤثر با فساد مبارزه کنند. این معضل در کنار مصونیت برخی نهادها (مانند بنیادهای مالی زیر نظر رهبری) از پاسخگویی، به گسترش بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی دامن زده است (رجوع شود به پرونده واگذاری هتل‌های بنیاد مستضعفان که هم‌اکنون در حال انجام است).

## ۵. تحریم‌ها و فشارهای خارج:

تحریم‌های بین‌المللی، که عمدتاً به دلیل سیاست‌های امنیتی-هسته‌ای ایران اعمال شده‌اند، اقتصاد کشور را تحت فشار قرار داده‌اند. این فشارها منابع مالی لازم برای تقویت نهادهای قانونی، بهبود زیرساخت‌ها، و پاسخگویی به مطالبات اجتماعی (مانند اشتغال، رفاه، و بهداشت) را محدود کرده است. از سوی دیگر، دولت‌های غربی با سوءاستفاده از این تحریم‌ها، گاه از ظرفیت‌های بین‌المللی برای اعمال فشار

سیاسی بر ایران استفاده می‌کنند، که این خود به تشدید تنش‌های داخلی می‌انجامد.

### تحلیل دیدگاه رهبران و میراث فکری نظام:

امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان معماران نظری و عملی نظام جمهوری اسلامی، حاکمیت قانون را در چارچوبی کاملاً دینی تعریف می‌کنند. از نگاه ایشان، قانون تنها زمانی مشروعیت دارد که با احکام اسلام و قانون اساسی (به‌عنوان سندی مبتنی بر شریعت) همخوانی داشته باشد. این نگرش، که در تئوری ولایت فقیه تجلی یافته، در پی ایجاد جامعه‌یی عادلانه بر اساس ارزش‌های اسلامی است. با این حال، این دیدگاه در عمل با چند پارادوکس جدی روبه‌روست:

پارادوکس انعطاف‌ناپذیری فقهی: تفسیر سنتی از فقه شیعه، که بر احکام ثابت و غیرقابل تغییر تأکید دارد، با نیازهای پویای جامعه مدرن (مانند حقوق دیجیتال، محیط زیست، یا برابری جنسیتی) ناسازگار است. پارادوکس مشروعیت دوگانه: نظام جمهوری اسلامی می‌کوشد مشروعیت خود را هم از «رضایت مردمی» (جمهوریت) و هم از «رضایت الهی» (اسلامیت) بگیرد، اما در شرایط بحران، اولویت همیشه به اسلامیت داده می‌شود، که این امر مشروعیت مردمی را تضعیف می‌کند.

پارادوکس مصلحت و قانون: نظریه مصلحت نظام، که به رهبری اجازه می‌دهد قوانین را به نفع حفظ نظام کنار بگذارد، در بلندمدت به بی‌ثباتی قانونگذاری و کاهش اعتماد به نهادهای قانونی می‌انجامد.

### راهکارهای پیشنهادی برای گذار از بحران:

#### ۱. اجتهاد پویا و بازخوانی فقهی:

نظام حقوقی ایران نیازمند بازتعریف احکام فقهی در پرتو نیازهای زمانه است. برای مثال، می‌توان با تکیه بر مفاهیمی مانند «عدالت اجتماعی» در اسلام، قوانین مربوط به حقوق زنان یا اقلیت‌ها را به‌گونه‌ای بازنگری کرد که همسو با استانداردهای حقوق بشر باشد، بدون آنکه هویت اسلامی قوانین خدشه‌دار شود.

#### ۲. اصلاح ساختار نظارت:

ایجاد نهادهای مستقل نظارتی (مانند «هیأت عالی نظارت بر قوا»)، که خارج از حاکمیت سیاسی عمل کنند، می‌تواند شفافیت و پاسخگویی را افزایش دهد. این نهادها باید بتوانند عملکرد تمام قوا، از جمله نهادهای زیر نظر رهبری، را بررسی و گزارش‌های عمومی منتشر کنند.

### ۳. گفتگوی ملی درباره ولایت فقیه:

برگزاری میزگردهای علمی-سیاسی با حضور فقها، حقوقدانان، و نمایندگان جامعه مدنی، برای تعریف دقیق اختیارات رهبری و محدودیت‌های آن ضروری است. این گفتگوها باید به شفاف‌سازی رابطه بین «ولایت مطلقه» و «حاکمیت قانون» بیانجامد.

### ۴. تعامل سازنده با جامعه جهانی:

کاهش تنش‌های بین‌المللی از طریق دیپلماسی فعال و پذیرش برخی تعهدات حقوق بشری (در چارچوب منافع ملی)، می‌تواند فشارهای خارجی را کاهش دهد. این امر فضای لازم برای اصلاحات داخلی و جلب سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی مانند قضاوت و مبارزه با فساد را فراهم می‌کند.

### ۵. تقویت جامعه مدنی:

حمایت از نهادهای غیردولتی، رسانه‌های مستقل، و اتحادیه‌های صنفی، به عنوان بازوهای نظارتی جامعه، می‌تواند تعادل قدرت بین دولت و مردم را بهبود بخشد. جامعه مدنی قوی، با انتشار اطلاعات و افشای فساد، ابزاری مؤثر برای تحقق حاکمیت قانون است.

### نتیجه‌گیری نهایی؛ آینده حاکمیت قانون در ایران:

حاکمیت قانون در ایران تنها در صورتی می‌تواند از چالش‌های کنونی عبور کند که نظام سیاسی به جای تکیه بر رویکردی ایدئولوژیک-امنیتی، به سمت پذیرش واقعیت‌های جامعه و تحولات جهانی حرکت کند. این تحول نیازمند چند گام اساسی است:

گذار از فقه سنتی به فقه تمدنی: بازتعریف احکام اسلامی در چارچوب نیازهای یک تمدن پویا، که بتواند همزمان ارزش‌های دینی و حقوق مدرن را پاس دارد.

توازن بخشیدن به رابطه اسلامیت و جمهوریت: ایجاد سازوکارهایی که مشروعیت مردمی را نه رقیب، بلکه مکمل مشروعیت دینی بدانند.

شفاف‌سازی قدرت: کاهش تمرکز اختیارات در نهاد رهبری و تقویت نهادهای انتخابی، به گونه‌ای که پاسخگویی و نظارت‌پذیری افزایش یابد.

بدون این تحولات، حاکمیت قانون در ایران همچنان در چرخه معیوب «تضاد ساختاری-بی‌اعتمادی اجتماعی» گرفتار خواهد ماند. آینده این نظام سیاسی به توانایی آن در پاسخگویی به پرسش‌های بنیادین جامعه ایرانی وابسته است:

آیا جمهوری اسلامی می‌تواند بدون دور شدن از اصول اسلامی، به مطالبات برابری طلبانه و عدالت-خواهانه مردم پاسخ دهد؟

آیا ولایت فقیه قادر است خود را با الزامات حاکمیت قانون در جهان مدرن هماهنگ کند؟

پاسخ به این پرسش‌ها نه در انکار تنش‌ها، که در جسارت برای نوآوری فکری و نهادی نهفته است.

## منابع

- امام خمینی (۱۳۵۸). ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- حشمت‌زاده، محمدباقر، حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ طالبی، محمدعلی (۱۳۹۶). بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، ۸(۲۳)، ۱-۲۴.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵). بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
- رضایی، حسن و توحیدفام، محمد (۱۳۹۷). نسبت‌سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم‌سالاری دینی (با تاکید بر شاخص‌های حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی)، راهبرد، ۲۷(۸۹)، ۳۵-۶۵.
- شورای نگهبان (۱۳۳۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- کریمی‌مله، علی (۱۳۹۱). تاملی نظری در نسبت حکمرانی خوب و امنیت ملی، مطالعات راهبردی، ۱۵(۵۸)، ۴۳-۸۰.
- لغت‌ویچ، آدریان (۱۳۸۲). دموکراسی و توسعه، ترجمه: احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح‌نو.
- مصفا، نسربین (۲۰۰۳). تحول تاریخی و فرهنگی حاکمیت قانون در ایران، مجموعه سخنرانی‌های جمع‌آوری شده از دومین جلسه مذاکره دوجانبه در مورد حقوق بشر بین اتحادیه اروپا و ایران، ترجمه مینا سینیور، کپنهاگ: یانسون اند نومی.
- منوریان، عباس (۱۳۷۹). از دولت خوب تا حکومت‌داری خوب، مدیریت دولتی، ۱۴(۳ و ۲)، ۹-۲۵.
- مؤسسه پژوهش‌های حقوقی ایران (۱۳۹۵). چالش‌های حاکمیت قانون در ایران، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهش‌های حقوقی ایران.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹). صحیفه نور، مجلد، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۱۹ و ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- میلری، احمد (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب، رفاه اجتماعی، ۳۱(۲۲)، ۲۶۱-۲۸۷.
- میلری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). حکمرانی خوب: بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- AmnestyInternational.(2023). Annual Report 2023: Iran. Retrieved from [https://www.amnesty.org/](https://www.amnesty.org/)
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues. World Bank Policy Research Working Paper No. 5430.

- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues. World Bank.
- Property Rights Alliance. (2022). International Property Rights Index 2022. Retrieved from [\[https://www.internationalpropertyrightsindex.org/\]](https://www.internationalpropertyrightsindex.org/)(<https://www.internationalpropertyrightsindex.org/>)
- Transparency International. (2022). Corruption Perceptions Index 2022. Retrieved from [\[https://www.transparency.org/en/cpi\]](https://www.transparency.org/en/cpi)(<https://www.transparency.org/en/cpi>)
- UNDP. (2020). Human Development Report.  
UNDP: (UNDP, 2020)
- United Nations. (2023). Sustainable Development Goals Report.  
WJP: (World Justice Project, 2022)
- World Justice Project. (2022). Rule of Law Index 2022. Retrieved from [\[https://worldjusticeproject.org/\]](https://worldjusticeproject.org/)(<https://worldjusticeproject.org/>)
- World Justice Project. (2022). Rule of Law Index.
- WorldBank. (2020). Ease of Doing Business 2020. Retrieved from [\[https://www.doingbusiness.org/en/data\]](https://www.doingbusiness.org/en/data)(<https://www.doingbusiness.org/en/data>)
- WorldBank.(2023). Worldwide Governance Indicators (WGI). Retrieved from [\[https://info.worldbank.org/governance/wgi/\]](https://info.worldbank.org/governance/wgi/)(<https://info.worldbank.org/governance/wgi/>)
- WorldBank.(2023).Worldwide Governance Indicators (WGI). Retrieved from [\[https://info.worldbank.org/governance/wgi/\]](https://info.worldbank.org/governance/wgi/)(<https://info.worldbank.org/governance/wgi/>)